

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره  
 موضوع جزئی: آیه ۲۸ - ارتباط آیه با آیات قبل و بعد - معنای کلی آیه -  
 تاریخ: ۱۰ دی ۱۳۹۷  
 مصادف با: ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۰  
 عمومیت مخاطبان آیه  
 جلسه: ۲۶

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَاللَّعْنُ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ﴾

آیه ۲۸: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ اٰمُوْنًا فَاَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»!

ارتباط آیه ۲۸ با آیات قبل و بعد

این آیه تا آیه ۴۰ مجموعاً ۱۲ آیه هستند که به یکدیگر مربوط هستند. این آیه در واقع یک بازگشتی است به مطالب آیات اخیر؛ آنجا که خداوند در اواسط این آیات فرمود «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُم» تا آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا». مجموع این آیات حول سه موضوع مبدأ، معاد و نبوت بود و ادله و براهینی برای این سه اصل اعتقادی ذکر شد، قبل از آنهم خداوند متعال مردم را به سه گروه مؤمنان، منافقان و کافران تقسیم کرد و برای هر یک از این سه صنف، ویژگی‌هایی را ذکر کرد. این ۱۲ آیه در واقع به نوعی بازگشت به مطالبی است که قبلاً پیرامون آن سه اصل مطرح شده و مخاطبش هم همان سه گروه‌اند. درست است که در صدر آیه می‌فرماید: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ» و ظاهرش این است که مخاطبش فقط کافران هستند ولی همانطور که خواهیم گفت مخاطب این آیه همان سه صنفی هستند که در گذشته معرفی شدند. پس ارتباط این آیه با آیات قبل از دو جهت است. ما بحث‌هایی که در تفسیر آیات داشتیم، نوعاً ملاحظه فرمودید که در مورد آیات همواره سعی بر این بوده که ارتباط آیات را با هم توضیح بدهیم و بر این اساس آیه ۲۸ تا آیه ۴۰ که مجموعاً ۱۲ آیه هستند، از دو جهت ارتباط دارند با آیات قبل.

جهت اول: یکی اینکه بازگشتی است به مطالبی که پیرامون آن سه اصل اعتقادی مطرح شده که با توضیح آیات معلوم می‌شود کیفیت ارتباط این آیات با آن سه اصل اعتقادی چگونه است.

جهت دوم: این آیه بعد از تنويع انسان‌ها به سه نوع و سه صنف، مخاطبش همه آن اصناف ثلاثه هستند.

اما اگر بخواهیم اشاره اجمالی به موضوعاتی که در این آیه مطرح شده داشته باشیم، در واقع می‌توانیم بگوییم این آیات به نوعی بیان تفصیلی مطالبی است که در گذشته مطرح شده است. در این آیات حقیقت انسان و آنچه که خداوند در نهاد او به ودیعه گذاشته، ذخایر کمالی وجود انسان، سعه وجودی انسان و منازلی که در این سیر طی می‌کند بیان شده که شامل زندگی دنیا و سپس مرگ، برزخ و سپس مرگ و آنگاه آخرت و بازگشت به سوی خدا است. بازگشت به سوی خدا هم آخرین منزل در سیر آدمی است.

۱. سوره بقره آیه ۲۸.

اگر قبلاً سخن از مبدأ و معاد بود، اینکه این عالم مبدأ و معاد دارد، اینجا سخن از این سیر است که چگونه این سیر از مبدأ به سوی معاد طی می‌شود و انسان چگونه این مسیر را طی می‌کند، چند عالم و چند زندگی و مرگ در این سیر پیش روی انسان است. بمناسبت در لا به لای این ۱۲ آیه به خصوصیات و برخی مواهبی که در تکوین و تشریح خداوند متعال به آدمیان اختصاص داده، اشاره می‌شود.

پس اگر بخواهیم ارتباط این آیه را با آیات قبل بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم که این آیات از جهتی تبیین و تفصیل آیات گذشته است؛ آیاتی که متضمن بیان سه اصل اعتقادی مبدأ و معاد و نبوت بود. این سیر همه آدمیان است، چه مؤمن چه منافق و کافر، منتهی یک تفاوتی را آیه ۲۸ از حیث مخاطبانش دارد که اشاره می‌کنیم. این یک توضیح اجمالی راجع به آیه ۲۸ و ارتباطش با آیات قبلی و بعدی و جایگاهش در این بخش از سوره بود. چون وقتی این ارتباطات تبیین می‌شود در واقع یک دورنمایی برای این کتاب در بخش‌های مختلف تبیین می‌کند و جلوگیری می‌کند از توهم اینکه آیات قرآن مجموعه‌ای از جملات است که ارتباطی با یکدیگر ندارند. بنده به خصوص بر این نکته تأکید داشته‌ام که ارتباط هر آیه را با قبل و بعدش روشن کنم.

#### معنای کلی آیه ۲۸

اما در خصوص آیه بیست و هشتم، می‌فرماید «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»، چگونه به خدا کفر می‌ورزید در حالی که شما مردگانی بودید که خداوند شما را زنده کرد و سپس دوباره میرانده می‌شوید و خداوند بعد از آن شما را زنده می‌کند و آنگاه به سوی خدا باز می‌گردید.

#### معنای «کیف»

این آیه مفردات خاصی که نیاز به توضیح داشته باشد ندارد چون معنای این واژه‌ها روشن است الا در مورد کیف. کیف درست است که از ادات استفهام است، ولی اینجا در مقام گلایه و توبیخ به همراه امتنان بکار رفته است. یعنی خداوند هم دارد منت می‌گذارد و هم دارد سرزنش، توبیخ و گلایه می‌کند؛ مثل اینکه کسی به دیگری محبتی می‌کند و او در مقام عمل بجای اینکه قدرشناسی کند، ناسپاسی می‌کند و آن شخص بگوید چطور با من این کار را کردی در حالی که من در حق تو لطف کرده بودم. اینکه می‌گوید چطور، به حسب ظاهر این استفهام است ولی در واقع هم دارد منت می‌گذارد و هم دارد توبیخ و سرزنش می‌کند. پس هر چند کیف از ادات استفهام است، ولی در واقع در مقام توبیخ است، کأنّ خداوند دارد با توبیخ می‌پرسد که چگونه به خداوندی که چنین و چنان کرد کفر می‌ورزید.

ما نظیر این آیه را از نظر مضمون و سیاق، در برخی از آیات دیگر هم داریم که خداوند با توبیخ با انسان حرف می‌زند از جمله «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup>،

۱. سوره آل عمران آیه ۱۰۱.

یعنی شما چگونه به خدا کفر می‌ورزید در حالی که آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و رسول او در بین شما به عنوان معلم و مفسر آیات وجود دارد.

و یا آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»، آیا این‌ها ندیدند که خداوند چگونه خلق را آغاز کرد و دوباره آن را بر می‌گرداند و این برای خدا آسان است، اینجا هم لسان، لسان توبیخ و گلایه است.

### نظایر آیه ۲۸ در قرآن

مضمونی که در این آیه غیر از لحن توبیخ هست، یعنی احیاء و اماتة، در چندین جای قرآن بکار رفته است از جمله آیه «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»، آن‌ها گفتند پروردگار ما، ما را دو بار میراند و زنده کرد، پس ما به گناهانمان اعتراف می‌کنیم بعد از این که آن‌ها اذعان به دو احیاء و اماتة می‌کنند، می‌گویند آیا راهی برای خروج از این گرفتاری هست؟

در این آیه خداوند دارد خطاب می‌کند به انسان‌هایی که الان هستند و می‌گوید «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ» یعنی چطور خدایی که شما را در حالی که مرده بودید زنده کرد و بصورت ماضی گفته چون معلوم است که انسان‌هایی که الان هستند، یک مرحله را که تولد و زندگی دنیایی است، پشت سر گذاشتند. بعد خداوند می‌گوید «ثُمَّ يُمِيتُكُمْ» یعنی فکر نکنید که تمام شده بلکه دوباره شما را می‌میراند. «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» دوباره شما را زنده می‌کند؛ «ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» یعنی یک موت و حیات را گذرانید ولی یک موت و حیات دیگر هم در پیش دارید.

جالب است که این آیه مورد استدلال برخی برای اثبات برزخ قرار گرفته و می‌گویند ما عالمی بنام برزخ داریم؛ و در عین حال همین آیه مورد استدلال برخی برای انکار برزخ قرار گرفته است که استدلال این‌ها را بیان خواهیم کرد. اما آیه ۱۱ سوره مؤمن وقتی است که هر دو را پشت سر گذاشته اند و می‌گویند «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، یعنی آنجا دیگر هر دو مرگ و هر دو زندگی را دیده‌اند و می‌گویند دو بار ما را میراندی و دو بار ما را زنده کردی و بعد می‌گویند ما به ذنوب خود اعتراف می‌کنیم ولی دنبال یک راه خروج می‌گردند «فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ».

### عمومیت آیه از حیث مخاطب

قبل از اینکه به این دو اماتة و احیاء برسیم که مضمون این آیه را تشکیل می‌دهد لازم است به نکته‌ای اشاره کنیم که گفته شد مخاطب این آیه سه صنفی هستند که در آیات ابتدایی سوره بقره به آن‌ها اشاره شده است. ظاهر آیه این است که مخاطبش خصوص کافران است چون می‌گوید «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ»؛ ظهور اولیه این لفظ در مورد کافران است ولی از آنجا که کفر یک معنای وسیعی دارد و شامل کفر اعتقادی با مراتب مختلفش و کفر عملی به معنای عصیان و مخالفت عملی با دستورات خدا است، می‌توانیم برای «كَيْفَ تَكْفُرُونَ» یک معنای جامع‌تری در نظر بگیریم.

۱. سوره غافر آیه ۱۱.

۱. الف) کافران اعتقادی کسانی هستند که نه خالقیت خدا و نه ربوبیت خدا را قبول ندارند، یک عده نه این عالم را مخلوق خدا می‌دانند و نه این عالم را مربوب خدا و هر دو را انکار می‌کنند. اشاره به این دو حیات و دو ممات و آیات بعدی یک برهانی است در برابر آن‌ها که می‌شود با آن مبدأ و معاد و توحید را اثبات کرد.

ب) برای کسانی که کفر اعتقادی آن‌ها یک درجه پایین‌تر و رقیق‌تر از گروه اول است، برای آن‌ها هم می‌تواند برهان و به تعبیری جدال احسن باشد، چون برخی خالقیت خدا را قبول دارند، اما ربوبیت او را منکرند مثل وثیین حجاز، آن‌ها کسانی بودند که در خالقیت خدا تردید نداشتند اما اینکه همین خدایی که این جهان را خلق کرده آن را هدایت می‌کند و ربّ این عالم است، این را منکر بودند که این نیز کفر اعتقادی و یا به تعبیری دیگر شرک است. اشاره به دو حیات و دو ممات برای این‌ها هم سودمند است.

۲. کسانی هم که منافقند و اعتقاد قلبی ندارند و به ظاهر همراهی می‌کنند، برای آن‌ها هم یادآوری و برهان بر بطلان اعتقادی آن‌ها است چون ریشه مشکل منافقین به اعتقاد آن‌ها بر می‌گردد چون آن‌ها اعتقاد قلبی به مبدأ و معاد ندارند و در اصطلاح قرآن منافقین کسانی هستند که اعتقادی به حق تعالی ندارند و به ظاهر همراهی می‌کنند.

۳. برای مؤمنان هم سودمند است. مؤمنان دو دسته هستند:

الف) یک دسته از مؤمنان کفر عملی ندارند، یعنی با اوامر و نواهی خداوند مخالفت عملی نمی‌کنند و دستورات خدا را رعایت می‌کنند که معصیت نکنند، قهراً برای این گروه این تذکر و یادآوری است، این هشدارها و یادآوری‌ها آن‌ها را در این مسیر حفظ می‌کند.

ب) یک دسته از مؤمنان کسانی هستند که گرفتار کفر عملی‌اند، یعنی معصیت کاراند و با اوامر و نواهی خداوند مخالفت عملی دارند، طبیعتاً برای آن‌ها که هم خالقیت و هم ربوبیت خداوند را اذعان دارند، اما از نظر عملی اهل معصیت و مخالفت‌اند، برای آن‌ها هم موعظه حسنة است. اینکه شما دو بار می‌میرید و دو بار زنده می‌شود و نهایتاً بازگشت همه شما به سوی خداست، این برای آن‌ها هم یک یادآوری و هشدار و پند دادن است.

لِذَا كَيْفَ تَكْفُرُونَ در واقع یعنی کیف تکفرون اعتقاداً به هر دو قسمش، کیف تکفرون عملاً به هر دو قسمش و شامل منافقین هم می‌شود به اعتبار اینکه آن‌ها هم کفرشان یا از قبیل انکار خالقیت و ربوبیت است، یا از قبیل انکار ربوبیت؛ بالاخره کفر اعتقادی دارند یعنی کأن منافقان ملحق به دسته اول هستند از این جهت و بر همین اساس عرض کردیم مخاطب آیه همه این اصناف سه گانه هستند که در آیات گذشته مورد اشاره قرار گرفتند.

### بحث جلسه آینده

معنای موت و حیات اول و دوم میماند که انشاء الله جلسات بعد بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»